

مشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منبع معدن تجارت »	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶	ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی - ۱۰۸)	توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۴۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnews http://eitaa.com/smtnews https://ble.ir/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	



برداشت انجیر در استهبان

منبع: مهر

برگزاری جشن امضای

«نوشته‌های در اماتیک بهروز غریب‌پور»



جشن امضای مجموعه چهارجلدی «نوشته‌های دراماتیک بهروز غریب‌پور» برگزار می‌شود. رویداد جشن امضای مجموعه چهارجلدی «نوشته‌های دراماتیک بهروز غریب‌پور» روز جمعه ۲۷ شهریورماه برگزار می‌شود. این مراسم با حضور علاقه‌مندان به ادبیات نمایشی و آثار بهروز غریب‌پور در محل فروشگاه کتاب ستارا در طبقه سوم مگامال اکباتان برگزار خواهد شد.

در این مراسم، رضا پاک، بیژن شکرریز و عباس جهانگیران به عنوان مهمان ویژه حضور خواهند داشت. برگزاری این رویداد فرصتی برای علاقه‌مندان است تا ضمن آشنایی بیشتر با مجموعه آثار نمایشی غریب‌پور، در مراسم جشن امضای این مجموعه چهارجلدی نیز شرکت کنند. مجموعه «نوشته‌های دراماتیک بهروز غریب‌پور» شامل چهار جلد از نوشته‌های دراماتیک این نویسنده و کارگردان تئاتر است که در قالب یک مجموعه منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان ادبیات نمایشی قرار گرفته است. علاقه‌مندان برای حضور در این مراسم می‌توانند روز جمعه ۲۷ شهریورماه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ به فروشگاه کتاب ستارا، واقع در طبقه سوم مگامال اکباتان مراجعه کنند.

زباله‌های خیابانی

یا تندیس‌های یوجی آگامتسو



یوجی آگامتسو هر روز با هدف خیابان‌گردی پیاده راه می‌رود. برگ‌های خشک‌شده، اسباب‌بازی‌های گمشده حتا تکه آدامسی که روی نیمکت پارک انداخته شده، گنجینه‌های او هستند که آنها را برمی‌دارد و در سلفون شفافی که دور یک پاکت سیگار پیچیده می‌شود، می‌گذارد. اگرچه آگامتسو دیگر سیگار نمی‌کشد، اما ترک این عادت پرسه‌دین و جمع کردن زباله‌ها دشوارتر از هر چیزی بوده است: او از سال ۱۹۹۶ به این کار

ادامه می‌دهد، یافته‌های هنرمند، هنگامی که درون این پاکت گذاشته می‌شوند، به ستایش از زیبایی‌های روزمره در می‌آیند. او زباله‌ها و دیگر یافته‌ها را مانند ایکه‌بانا، با خرده شیشه یا چوبهای ترک‌خورده، در توازن و هماهنگی، چیدمان می‌کند. اشیایی که دیگران به سختی متوجه آنها می‌شوند، موادی هستند که نمایانگر شرایط انسانی و دغدغه‌های امروزی. از نگاه آگامتسو، آنها مجموعه‌ای کامل از بینش‌ها را پیرامون زندگی فردی و جمعی ما آشکار می‌کنند. بنیاد جاد، آثار دو سال از تندیس‌های آگامتسو را در نمایشگاهی به نام «۲۰۲۳-۲۰۲۴» به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه در خیابان اسپرینگ شماره ۱۰۱ در سوهو و خانه‌ی گوین براون در خیابان لنوکس در هارلم برگزار می‌شود. فضای خیابان اسپرینگ، خانه و دفتر کار گذشته‌ی دونالد جاد است، ساختمانی که آگامتسو به مدت ده دهه مدیریت آن را پذیرفت. هر اثر که به ترتیب زمانی نمایش داده شده است، هوشمندانه روی یک قفسه آلومینیومی سفید قرار گرفته تا شبیه یک روزشمار ماهانه باشد. با توجه به دهه‌ها فداکاری این هنرمند، این پروژه در حال انجام، افشاشگری‌های بسیاری را به طنین آورده. همانگونه که آگامتسو در آغاز امسال به نیویورک تایمز گفت: اشیای یافت شده نیروی بیشتری دارند. ما می‌توانیم گوناگونی و چگونگی دگرگونی شکل و رنگ را ببینیم. آب و هوا باعث تغییر می‌شود. همچنین منبت انسان. از آدامس، متوجه شدم که آدامس‌های خنده‌دار، آدامس‌های خشمگین، همه متفاوت هستند. ما از هر حالت روحی متفاوت، شکل متفاوتی می‌سازیم. اگرچه «پها» جوری که هنرمند از آنها می‌گوید، کوچک هستند - حدود ۳.۵ در ۲.۵ - اما توانایی ثبت شرایطی بسیار بزرگتر از هر کس را دارند. برای نمونه، یک روز بارانی بهاری ممکن است لایه‌ای از گل و لای را پایین پلاستیکی باقی‌بگذارد، در حالی که بسته‌بندی آب‌نبات با مزه‌ای شناخته شده ممکن است نشان دهنده ساختار فرهنگی یک محله باشد. اینچنین، این دست کارها همانند دفترچه‌ی خاطرات دیداری از آنچه انسان‌ها کنترل می‌کنند و آنچه را که کنترل نمی‌کنند، و اینکه چگونه نیروهای بی‌شماری که بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند، حتا در کوچکترین باقی مانده‌های فرو افتاده، هستند.

جهان وهم آلود مایکل ازل

در «کتاب کلاسیک نوجوانان»



خیلی پیش نمی‌آید که پروژه‌های هنری دبیرستانی در روند حرفه‌ی هنرمندی به خط مشی کلی در بیاید، اما برای مایکل ازل تصویرگر و چاپگر، دقیقاً همینگونه بود که مجموعه در حال انجامش به نام «کلاسیک نوجوانان» زاده شد. او با پاره کردن ورق‌های کتابهای قدیمی، طیف گسترده‌ای از مکتب‌ها، عصرهای ترکیبی و روایت‌ها را می‌آزماید، سپس همان‌ها الهام‌بخش نقاشی‌ها و چاپ‌هایش می‌شود. ازل می‌گوید: «به‌نگام آغاز کار، تنها روی نوشته‌های صفحه نقاشی می‌کردم و از کتاب پیش پا افتاده‌ای که جلوی دستم داشتم، چیزی سراسر نو می‌ساختم. در ادامه‌ی راه، به بریدن و چسباندن نقش‌های درون صفحه یا سر فصل‌های پر خط و نگار برای رسیدن به نقطه آغاز آفریدن آنچه می‌خواستم دست زدم.» ازل به ویژه به سمت نقش‌های مجموعه‌ی الیس در سرزمین عجایب گرایش دارد، که در آغاز به‌دست سر جان تنیل کشیده شده و در دهه‌های پس از آن بیش از شش هنرمند دیگر مانند مایل لوسسی اتول، گویند ام، هادسون، ماریا ال. کرک و حتی سالوادور دالی بازآفرینی شد. این هنرمند می‌گوید: «کنون دیگر جست‌وجو برای یافتن درون مایه‌ی کتاب را بیشتر یک دانش می‌دانم. دنبال کتابچه‌های راهنمای عجیب و غریب یا کتاب‌های کودکان با تصویرهای زیاد یا قالب‌بندی نوشتارهای ناشنا می‌گردم. هر چیزی که هنگامی از متن اصلی‌اش جدا شود و معنی و مفهومی جانبی شگفتی داشته باشد، همان چیزی است که من را سوی خودش می‌کشد.» او به ویژگی‌های ذاتی هر برگ کتاب - هر جمله‌ی چاپ شده یا نقاشی‌ای کوچک - مانند یک پیام یا یک فراخوان و پاسخ نگاه می‌کند، اینگونه اثری متفاوت از کار روی یک بوم بزرگ و خالی به جهان هنری افزوده می‌شود. ازل به جهان‌سازی و داستان‌های فراگیر گرایش دارد و موتیف‌ها و شخصیت‌های او از تاروت، سورتالیسم، کارت‌های بازی و مد قرن بیستم الهام گرفته‌اند. نام این مجموعه به مجموعه‌ی از ۱۰ کتاب با نام «کلاسیک‌های نوجوانان» اشاره دارد که برای نخستین بار در سال ۱۹۱۲ به چاپ رسید و برای خوانندگان جوان در جای همتای مجموعه «کلاسیک‌های هاروارد» گذاشته شده بود. این مجموعه دارای بیش از ۴۰۰ تصویر (رو به افزایش) است. ازل هم اکنون روی دسته کارت‌های تاروت خودش کار می‌کند که به نوبه خود الهام‌بخش روایت‌های بیشتری است.

نوشته‌ی کیت موت

برگردان مهتاب خطیر

www.thisiscolossal.com

برگرفته از



نیم‌رخ‌ی گریان با همجواری رنگ زرد و سبز، نمایشی از واکنش شخصیت که بر پایه نمی‌دانیم باقی می‌ماند، هیچ دروازه‌ای برای مخاطب گشوده نیست مگر سری که درون قالب نگنجیده!



چشمی با پروانه و چشمی بسته، آیا او می‌خواهد نینیمش یا نمی‌خواهد ببیند، چشم‌ها دروازه‌های روح و ما خسته به پشت در شکسته بسته نشسته تا گشوده شود این تالار ساکت و ساکن با هیاهوی خفته در درونش و شاید ببرد این پروانه خفته بر آن.

خودکشی با خودنگاره!

پاپک بهاری:

خودکشی با خودکشی با خود نگاره!، هنرمند (آیدا زارعی-ویچی) با چهره نگاری از خودش یا به تاراج خویش دست می‌زند یا به تکتیر می‌رسد!، ون گوگ، فریدا، آیدا و دیگر کشندگان که بودن یا نبودن را نقش می‌زنند، بیابیم گام به گام این هفت پرده را کنار زنیم.



طراحی اکرپلیک و سیاهی و سپیدی، تفکری که قرار است از چشم‌ها این دریچه روح خارج شوند، انگشتانی گره شده بر صورت و حدقه‌هایی فرار از برابرمان تا این راز سر به مهر بماند که چه می‌بیند و چه می‌اندیشد این اندیشه‌های رویایی.



تلاقی نگاه مورچه‌ای کارکتر و نگاه پرندگانی مخاطب و هنرمند به خودش!، زوایه دید و خط مستقیم نگاه خط سیر مستقیمی از بین شلوغی‌ها شکل‌ها و رنگ‌ها اجازه تامل و واکاوی کارکتر را به مخاطب نمی‌دهد، انواع چهره‌ها و سیر نگاه‌های متفاوت مقصد را دور از تیر نگاه ما می‌کند اما این گفت‌وگوی جذاب و بی‌پایان را به سرانجام می‌رسد هر چند سکوت فریاد رسایی ایست که با چشم جان می‌شنویم.



درختی با ریشه هایش و تیر به‌دستانی که سراغش آمده اند، او سرگرم خویش است و تیر به‌دستان نیز بهمچنین، تقسیم فضا و جنگلی که در پناه هم دیگر سبزه مانده اند، سبزم نه از آنکه درختم! سبیز تویی که سبز می‌خواهمت با ریشه هایت.

یک میهمانی یازده نفره که ما دوازدهمی هستیم در آستانه ورود، دو ورودی بی‌در و پیکر، ساعتی سه قسمتی، میزبانی با سینه خونین، نگاه‌های دوخته شده به سوی چپ بیننده مگر خود هنرمند، حضور موضوعات و اشیاء عامل توجه بیننده به دیگر موارد، گفت‌وگوی شخصی در منظر عمومی، غلبه گفت‌وگوهای بیرونی بر نگاه درونی، جسم یا روح و شاید ترکیبی از هر دو پنجره بگشا.



بالاخره یک سلف پرتره با همه ویژگی‌های مختص خودش، نگاه مستقیم و گفت‌وگو گر، اجرای فنی فرم (رنگ، خط و غبرو) مناسب و متناسب با موضوع، تماشا همانند خواندن، گردش و نفوذ چشم‌های مخاطب در همه جهات، در نهایت حرکت از احساس به دریافت ایده که همراه مخاطب می‌شود همراهی مدامی که از چشم وارد می‌شود و در دالان‌های مغز رخنه می‌کند تا رویا و ایده را به پیش رویت آورد. در اهمیت سلف پرتره‌ها همین پس که پرتره‌های مهم و ماندگار تاریخ هنر همانند لیخند ژو کوند، دختری با گوشواره مروارید، بتهوون و دیگر موارد علاوه بر نمایش ظاهری شخصیت نقی به درون زده که اینک پس از سال‌ها و قرن‌ها به آنها مراجعه و مورد خوانش و واکاوی قرار می‌دهیم هرچند بگفته براکو دبمیرت ویوچ: تنها تقدیر موجب شد که نام لئوناردو داوینچی به خاطر سپرده شود حال آنکه نقاشان بسیار با استعداد دیگری ناشناس ماندند که حتی با فرض صحت باید گفت چه تقدیر شایسته‌ای، نکته دوم، برآیند بودن فرد به مثابه نسل تازه می‌باشد.